■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۴۲۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام جم)

پنجشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۹۹ | ۱۶ ذی‌الحجه ۱۴۴۱ | ۲۰ صفحه | سال بیست و یکم - شماره ۵۷۲۵ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Thursday-August6,2020

حدیث روز: بحارالانوار

امام حسن(ع): آن خوبی که شر و آفتی در آن نباشد شکر در مقابل نعمت‌ها و صبر و شکیبایی در برابر سختی‌هاست.

پلک احساس: فروغی بسطامی

سرو آزاد شد آن دم که ثمر هیچ نداد
بی‌ثمر شو که ثمرهاست در این بی‌ثمری

امروز در تاریخ:

- درگذشت عالم نیکوکار آیت‌ا... سیدرضا فیروزآبادی (۱۳۴۴ ش)
- تشکیل جهاد دانشگاهی به فرمان امام(ره) (۱۳۵۹ ش)
- درگذشت پرویز شاهین‌خو، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون (۱۳۹۵ ش)
- بمباران هسته‌ای شهر هیروشیمای ژاپن توسط آمریکا در جریان جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵ م)

اوقات شرعی:
اذان ظهر: ۱۳/۱۰ غروب آفتاب: ۲۰/۰۴
اذان مغرب: ۲۰/۲۳ نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۲۳
اذان صبح (فردا): ۴/۴۲ طلوع خورشید (فردا): ۶/۱۷

پیش‌بینی آب و هوا جمعه

تهران	ارومیه	اراک	ایلام	اهواز	بوشهر	ساری	همدان
۳۴ / ۲۳	۳۰ / ۱۵	۳۲ / ۱۴	۳۶ / ۲۱	۴۷ / ۲۸	۴۰ / ۳۲	۲۸ / ۲۰	۳۰ / ۱۲

حکمت ۴۵۴: نهج‌البلاغه

فرزند آدم به چه چیز خود می‌نازد؟ آغازش نطفه بود و پایانش مردار شود. توان آن ندارد که خود را روزی دهد و نتواند که مرگش را از خود دفع کند.

گفت‌وگو با مصطفی رحمان‌دوست؛ شاعر، نویسنده و مدرس داستان‌نویسی کودک و نوجوان

کاش یه شعر حافظ بودم

علی مظاهری
روزنامه‌نگار

بای بسم‌ا...

شعر صددانه یاقوت را در وصف انار، همه‌مان از بر داریم کاری است که عمو مصطفی، شاعر همدانی پایتخت‌نشین سروده با او که به خاطر شرایط کرونایی فقط تلفنی در چند نوبت گپ زدم از تندی و تیزی ذهنش به‌راحتی نتیجه گرفتم چه خلاق است و به همین خاطر یادآورد چند نکته درباره این شاعر و نویسنده هم ولایتی، لطف این انجمن را افزون می‌کند.

از این مدرس داستان‌نویسی و ادبیات کودکان و نوجوانان، تاکنون ۳۱۴ اثر منتشر شده. تیراژ کتاب‌های او به بیش از شش و نیم میلیون نسخه می‌رسد و برخی از آثار او از جمله قصه دولاك پشت تنها، بازی با انگشت‌ها، سه قدم دورتر شد از مادر، دو تا عروس، دو تا داماد و... به ۱۳ زبان ترجمه شده.

به عنوان مدیر نشر دارای تجربه، اگه میشد چی رو بیش از همه نشر می‌دادین در تیراژ میلیونی؟
حتما دوست داشتنِ دیگران رو.

یک منظره دل‌انگیز رو به کی تقدیم می‌کردین؟
به اونهایی که به صلح فکر می‌کنن.

اگه می‌شد رو به روی پنجره دوستِ دوست داشتنی چه منظره‌ای رو می‌نشاندین؟
درخت و پرنده.

دوست داشتین با کی همیشه همسایه بودین؛ چه‌جور آدمی یا دوستی؟
با کسی مثل خودم، انسان.

همنشین همیشه‌تون در بهشت؟
بذار برم بهشت بعدش هرکی همنشینم باشه خوبه.

برای نزدیکی بیشتر بچه‌ها با شاهنامه و نظامی و رومی و سعدی و عطار، پیشنهادی چند کلمه‌ای که هنوز کاربردی نشده؟
به خونواده‌ها توصیه می‌کنم خلاصه شده آثار اون‌ها رو برای بچه‌هاشون بخرن.

فوت کوزه‌گریِ نوشتنِ چند صد کتاب؟
فوت کوزه‌گریش اینه که تموم زندگیم رو گذاشتم برای بچه‌ها.

(شوخی با نام برخی آثار رحمان‌دوست:) «نوشتم دوستت دارم» ولی نخواندی؟
چرا! خوونده خیلی هم خوب خوونده.

«زیباتر از بهار»؟
حس بهاره در دل.

«صدای ساز می‌آید» ولی سکوت نمی‌شنود؟
سکوت می‌شنوه زبون نداره بگه.

«پرنده گفت به به»! چه هوای گرمیه توی دیگ آشپزخونه؟
(با بسی خنده) وای دلم براش می‌سوزه.

«بازی شیرین است» ولی؟
بچه‌ها برد و باخت سرشون نمی‌شه.

«به نام دوستم خدا» که همیشه دلش رو می‌شکونم؟
سعی می‌کنم نشکونم.

«آسمان هم خندید» بس که زمین پر از رنگین کمون شد؟
آسمان هم خندید وقتی دید بچه‌ها خوشحالن و می‌خندن.

شما ۱۰۰ سال بعد/ چجور یادتون کنن؟
بگن خدا رحمتش کنه.

بچه‌های فردا با یاد شما شمع روشن کنن، گل پرپر کنن یا کتاب بخونن؟
حیفه گل که پرپر بشه. وقتی برق هست شمع روشن نکنن. کتابی که دوست دارن بخونن.

اگه کتاباتون پرنده بشن کجا لونه می‌سازن؟
میون بهشت دیگه.

به کجا مهاجرت می‌کنن؟
به جایی که بچه‌ها زیادن.

بهشتِ دنیایی شما؟
جایی که بچه‌ها باشن و شاد باشن.

چرا به همدان میگن «شهر خوبان»؟
خب زیاد خوب داره حتما.

کتابای بچه‌های دهه ۵۰ و ۶۰ خیلی بامعنا و پرمعنا بود. کتابای این نسل دهه هشتادی و نودی انگار از معنا خالیه یا من بی‌انصافی می‌کنم؟
اون موقع کتاب‌ها دور از حس و حال بچه‌ها بود حالا به حس و حال‌شون نزدیک شده.

امید امام خمینی به دبستانی‌هاست، امید شما به کی‌هاست؟
امید من به بچه‌هایی است که امروز بزرگ میشن.

اگه خواب‌تون بگیره و از یه قرار مهم با یه آدم مهم جا بمونین؟
مهم نیست میگم خوابم گرفته.

اگه دوست‌تون پیش رئیس‌تون زیر آب‌تون رو با ناجوانمردی و دروغ بزنه/ می‌زد؟
از این چیزها زیاد دیدم ولی زندگیم رو کردم.

از اون آدم دلگیر نشدین؟
سعی می‌کنم برای کار بد دیگران دلیل بیارم، بعد می‌بخشم‌شون.

از کی از چی انتظار معجزه دارین؟
از هیشکی در این روزها معجزه‌ای اتفاق نخواهد افتاد.

اگه دوست خوب‌تون دل‌تون رو بشکنه؟
دلش رو تعمیر می‌کنم.

اگه کسی که ازش انتظار ندارین براتون چاه بکنه؟
بوده! این رسم روزگاره.

اگه کتاب آماده چاپ‌تون توی چاپخونه یا انتشاراتی به خاطر حسادت یا دشمنی گم و گور بشه؟
حالا که پرینت و سیو شده زیاده؛ اما زمانی بوده که یه نسخه‌اش رو هم نداشتم. ناراحت شدم اما گفتم حتما خیری بوده.

اگه با یکی از بچه‌هایی که در کودکی کتکش زدین توی بزرگسالی رو به رو بشین؟
اتفاق افتاده، با هم می‌خندیم. (الان وسط پیشونیم جای سنگ هست)

گفتین خسیس هستین منتها برای خرج کردن وقت؟
هستم. از وقتم بیشتر استفاده می‌کنم.

حرص می‌زنین ولی برای آموختن؟
برای چیزی که نیاموختم.

خیلی به گفت‌وگو با هاش راغب هستین؟
کسی که ازش یاد بگیرم.

با هاش دلتون تازه میشه؟
اون حتما دل خداپسند داره.

تازه‌ترین چیزی که آموختین؟
بچه‌های امروز از قبل از تولد نیاز به کتاب دارن (دوره جنینی)

از سخت‌ترین لحظه‌های زندگی‌تان؟
یادم نمیاد.

سایبان آرامش روح شما؟
اگه احساس کنم بچه‌ها فرداشون بهتره آرامش دارم.

آب و نان‌تون رو با کی دوستانه تقسیم می‌کنین؟
با هرکی دور و برم باشه.

به کی‌ها ازش می‌بخشین؟
به هرکی نیاز داشته باشه.

با کی هرگز قسمتش نمی‌کنین؟
ندارم چنین کسی.

به کجا هرگز نمی‌روید؟
هرجا راهم ندن.

دوست دارین همیشه کجاها باشین؟
در سفر.

مث مسافر کوچولو؟
نه به دنبال خودم.

چقدر از خودتون رو یافتین؟
قسمتی رو یافتم قسمتی رو امیدوارم پیدا کنم قسمتی رو مطمئنم پیدا نمی‌کنم.

به کی دوستت دارم میگین؟
به خانمم و هر بچه دیگه.

از چی خیلی متنفرین؟
هیچی! غیر از ظلم.

چیه که به شما اصلا نمیاد همه هم میگن؟
نمی‌دونم. از همه بپرسین.

چیه که خیلی با هاتون با روحیه‌تون جوره؟
بنشینم و صبر پیش گیرم / دنباله کار خویش گیرم.

کی‌ها دنیای بچه‌ها رو به رسمیت نمی‌شناسن و جدی نمی‌دونن؟
سیاسیون. امان از دست شون.

مهم‌ترین آموزه شما برای نسل‌های بعدی؟
دوست داشته باشین.

اگه کسی علیه شما جوسازی کنه؟
طبیعیه وقتی آدم مشهور میشه این حرف‌ها هست.

اگه با وجود پاکی‌تون بهتون بهتان بزنن چیکار می‌کنین؟
زدن. توکل کردم به خدا.

از بلندپروازی‌های کودکانه شما؟
شب و روز توی خوابم هم دارم پرواز می‌کنم بلند و کوتاه نداره، همش در حال پروازم.

شده شما رو جدی نگیرن؟
آره، بچه‌هایی که اثری براشون خوونده و خوششون نیومده.

از چشم و همچشمی‌هایی که درگیرش شدین؟
یواشکی از کنارش رد میشم؛ مِرّوا اِکراما.

از شوربختی‌هایی که گاهی بناگزیر پیش میاد؟
فردی نیست به شوربختی جامعه فکر می‌کنم.

اگه کتاب اول و دوم و دهم و حتی پنجاهم‌تون اصلا و ابدا چاپ نمی‌شد؟
دیگه نویسنده نبودم.

انگیزه‌تون رو از دست می‌دادین؟
نمی‌دونم برام اتفاق نیفتاده.

اگه شما این‌که هستین نبودین؟
یه چیز دیگه بودم برای بچه‌ها مثلا کتابفروشی باز می‌کردم.

راهی که دوست داشتین بروید ولی نشد؟
خیلی دلم می‌خواد یه اثر درست و حسابی بنویسم.

اگه صفحه‌های کاغذ نپذیرن نوشتن شما رو نقش برندارن؟
قهر می‌کنم ازشون و میرم تایپ می‌کنم.

کلمات اگه شما رو بایکوت کنن با هاتون راه نیان؟
کلمه می‌آفرینم.

اگه خود شما شعری بودین؟
کاش یه شعر حافظ بودم.

اگه همدوره شاعران کهن بودین؟
حافظ سعدی مولوی فردوسی.

اگه عبید زاکانی علیه‌تون هجو و طنز می‌گفت؟
من هم براش هجو می‌گفتم و قوی‌تر.

اگه مولوی با نی مشهورش توی سرتون می‌زد که مصطفی خان از این بهتر بگو؟
حرف‌هاش رو گوش می‌کردم چوب معلم گُله.

اگه سعدی همسفرتون بود نقل مجلس‌تون چی بود؟
شعر.

با خاقانی توی ایوان مدائن چه حسی داشتین؟
می‌نشستیم گریه می‌کردیم.

اگه همه کوشش‌هاتون رو به خاطر چند کار که خیلی درخشان نیست کسی نادیده بگیره؟
الحمدلله توفیق دارم مردم کارهام رو می‌بینن اون کوچیک‌هایی رو که ندیدنیه می‌بخشن.

اگه کسی که اصلا با هاتون به هر دلیل میونه خوبی نداره توی مجلسی تریبون دستش باشه و هی ازتون انتقاد بکنه؟
دلم براش می‌سوزه.

خدا رو با چی به چی شناختین؟
حضرت علی: عرفه‌ا... فسخ العزایم وقتی تصمیم می‌گیری و برنامه می‌ریزی اما نمیشه.

جایی خوندم به خاطر توصیه به دوستی و مروت و دانش‌اندوزی، عذرتون رو خواستن؟
از این اتفاق‌ها افتاده. خوشبختانه خدا لطف کرده صریح حرف می‌زنم ملاحظه نمی‌کنم و بهایش رو پرداختم.

اگه یکی بهتون بگه عتیقه/ دوره‌تون گذشته؟
ممکنه. هنوز نشدم ولی ممکنه بشم.

پرخاش یه دوست رو چه‌جوری جواب میدین؟
اگه دوست باشه سکوت می‌کنم تا سر حال بیاد.

لازم شده خودتون رو ۱۸۰ درجه تغییر بدین؟
نه.

به نسبت سال ۷۹ چقدر تغییر کردین؟
حس خودم اینه که عوض نشدم.

سوادتون چقدر شده؟
سعی کردم یه کم بیشتر بشه نمی‌دونم شده یا نه.

کارنامه شما دست خدا... چه داوری خواهد کرد؟
امیدوارم خوب داوری کنه و به خوبی نمره بده.

نمره‌ای که خودتون به خودتون میدین؟
شب و روز در حد ۲۰ دارم کار می‌کنم ولی مطمئنم به ۱۵ هم نمی‌رسم.

وخدا به شما چند میده/ چند بِده بهتره؟
خدا چون غفور و رحیمه ۲۵ میده.

از خوشبختی‌های شما؟
همین که شما دارین با من حرف می‌زنین نشون میده خیلی خوشبخت بوده‌ام که باید با شما حرف بزنم.

بوق اشغال

عکس: جاوش همراوندی

مرور عبور با جام جم ۲۰۰ سال قبل

۱۶ مرداد

اصلاح قانون مطبوعات در مجلس، سرنوشت جناحی پیدا نکند

همین روزها آب در تهران قطع می‌شود

سرنخ‌های سرقت از موزه آبگینه به دست آمد

یک پرستار کار ۵ پرستار را انجام می‌دهد

کیارستمی؛ داور جشن سینما

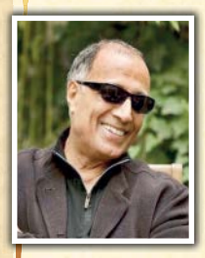

عباس کیارستمی به جمع داوران بخش پوسترهای سینمایی چهارمین دوره جشن سینما پیوست.

در بخش پوسترهای سینمایی، فیلم‌های تولید شده یا به نمایش درآمده سینمای ایران در دو سال اخیر شرکت خواهند داشت که مورد قضاوت داوران قرار خواهند گرفت. دیگر داوران این بخش عبارتند از: مسعود مهرابی، حسین خسروجردی، بهزاد غریب‌پور، قباد شیوا، امیر اثباتی، حسین زندباف، محمود بهمن‌پور، محمدعلی نجفی و مصطفی گودرزی دیگر داوران بخش پوسترهای سینمای ایران هستند. (صفحه ۳)

گفت‌وگوی محمدرضا رستمی با فرهاد آئیش

با توجه به این‌که شما اقامتی چند ساله در غرب داشته‌اید و از نزدیك با تئاتر و تحولات آن در خارج آشنا هستید، تئاتر ایران را نسبت به آنجا چگونه ارزیابی می‌کنید؟ اگر بخواهیم با همان واژه‌های بالقوه و بالفعل شروع کنیم از لحاظ بالقوه سال‌ها جلو هستیم از جهت بالفعل، سال‌ها عقبیم... غرب در قرن گذشته تجربه‌های جدیدی را پشت سر گذاشته و ما همان تجربیات را به صورت دست و پا شکسته در اینجا تکرار کرده‌ایم. در ایران زیاد به‌دنبال چخوف، برشت و پیتر بروك رفته‌ایم و تا حدودی به‌دنبال آوانگاردهای اروپایی به راه افتاده‌ایم. با این‌گونه کارها نمی‌توانیم هویت کسب کنیم...

چرا بعد از سال‌ها اقامت در اروپا به ایران برگشتید؟ شاید در جوانی غرب برایم جذاب بود، ولی از یك دوره‌ای به بعد احساس کردم آنجا برایم چیزی ندارد و برای این‌که به خودم برسم احساس کردم باید به وطنم برگردم... (صفحه ۵)

انفجار بمب در نزدیکی حرم حضرت عبدالعظیم

انفجار یك بمب ساعتی در یکی از بازارچه‌های حرم عبدالعظیم خساراتی به‌بار آورد و خوشبختانه تلفات جانی نداشت.

در اثر این بمب که ساعت ۳ و ۳۰ دقیقه بامداد روز جمعه منفجر شد شیشه‌های بازارچه و بخشی از دیوار آن فرو ریخت. ماموران کلانتری شهرری با کمك ماموران وزارت اطلاعات و متخصصان خنثی‌سازی بمب تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی عوامل این بمب‌گذاری آغاز کرده‌اند. تحقیقات نشان می‌دهد مرد مشکوکی شب قبل حادثه تلویزیونی را برای تعمیر به یکی از مغازه‌ها تحویل داده و احتمالا بمب داخل همین تلویزیون بوده است. (صفحه ۹)

۱۷ مرداد

عروس آتش در انتظار اکران

فیلم عروس آتش ساخته خسرو سینایی احتمالا از پس‌فردا اکران عمومی خواهد شد.

این فیلم که از نظر منتقدان و تماشاگران جشنواره فیلم فجر، بهترین فیلم سال لقب گرفت مورد بی‌مهری داوران بخش‌های اصلی جشنواره قرار گرفت.

عروس آتش با طرح جسورانه و بازی‌های درخشان احتمالا مورد استقبال مردم قرار خواهد گرفت. حمید فرخ‌نژاد در این فیلم عالی ظاهر شده‌است. از دیگر فیلم‌هایی که هنوز منتظر اکران عمومی هستند می‌توان به هیوا و قارچ سمی به کارگردانی رسول ملاقلی‌پور، عشق طاهر ساخته محمدعلی نجفی و بوی کافور عطر یاس به کارگردانی بهمن فرمان‌آرا اشاره کرد. (صفحه ۳)

مجلس راه را بر تشنج بست

امروز خبر نگار، خود یک خبر است

نیایش زرتشتیان یزد شکوفه کرد

جانبازان صاحب خانه می‌شوند

رئیس بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی اعلام کرد: در سال جاری تمامی جانبازان بالای ۷۰ درصد صاحب خانه می‌شوند.

محمد فروزنده در مراسم افتتاح خط تولید محصولات چینی بهداشتی سینا کاشی با بیان این مطلب افزود: با ارائه فراخوانی تا پایان سال جانبازان باقی مانده که زمین و ملك مسکونی دریافت نکرده‌اند شناسایی خواهند شد. هم‌اکنون ۸۵ هزار جانباز ۲۵ تا ۷۰ درصد فاقد زمین و مسکن در کشور وجود دارند که طی پنج سال صاحب خانه خواهند شد. (صفحه ۴)

خبرنگار به روایت فریدون صدیقی

معاون سردبیر روزنامه انتخاب درباره حرفه خبرنگاری به جام‌جم گفت: جایگاه خبرنگار در وهله نخست به جایگاه رسانه و در مرحله بعد به قابلیت‌های حرفه‌ای و شخصیتی خود روزنامه‌نگار بازمی‌گردد. اگر رسانه‌های مکتوب، معتبر، مقبول و وزین باشند، روزنامه‌نگاران نیز دارای منزلت و موقعیت سزاوار خواهند بود و همچنین اگر یك خبرنگار خارج از مدار کارکرد یك رسانه، مسلط به دانش و تجربه باشد و از خود صداقت و شرافت حرفه‌ای نشان دهد، منزلت فراوانی می‌یابد. هر چقدر درك عمومی از کارکرد روزنامه و همچنین توقع و انتظارات مخاطب از رسانه بیشتر برآورده شود در تصویر او موثرتر است. (صفحه ۱۰)